## ظلم و ستم را توجیه نکنید

**امام صادق(ع):**
**مَنْ عَذَرَ ظالماً بِظُلْمِه سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ مَنْ يَظْلِمُه، فَإِنْ دَعَا لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ وَ لَمْ يَأْجُرْهُ اللَّهُ عَلَى ظُلَامَتِه.**
**هر کس برای ظَلَم ستمگری، عذر بتراشد [و آن را توجیه کند]؛ خداوند کسی را بر او چیره می‌سازد که بر او ستم کند؛ پس اگر خدا را [برای دفع آن ظلم] بخواند، او را اجابت نخواهد کرد و در عوض [صبر بر] آن ستم، به او پاداش نخواهد داد.**
**منبع: الکافی؛ ج۲،ص ۳۳۴**



## شفاعت پارتی بازی نیست

**علامه حسن حسن‌زاده آملی(ره):**
شفاعت در حقیقت و واقع رسیدن به نتیجه اطاعت از فرمان قرآن و تمسک به ذیل ولایت اهل بیت عصمت و وحی است، نه اینکه به پندار عامیانه گمان شود شفاعت یک نحو پارتی‌بازی در ماورای طبیعت است، فتدبر وافهم.
**منبع: کتاب انسان در عرف عرفان، صفحه ۷۵**

## طبقه‌ای که اقتصاد نمی‌داند دعایش مستجاب نیست

**آیت‌الله عبدالله جوادی آملی(حفظه‌الله):**
**طبقه‌ای که کم کار یا بی کار است و درس اقتصاد را نمی‌داند و نمی‌شناسد، دعایش مستجاب نیست. خدا در قرآن فرمود: تا شما بر دوش زمین سوار نشوید و از دل زمین خبر نداشته باشید و این معدن‌ها را در نیاورید، گرفتار فقر هستید. آن وقت ما دلمان می‌خواهد با دعا مسئله‌مان حل شود؛ البته گاهی با دعای یکی از اولیای الهی کار حل می‌شود، آن راه باز است؛ اما رفتن آن راه سخت است!**
**درس تفسیر سوره مبارکه محمد(ص)؛ مورخ ۱۳۹۵/۴/۱۸**

## با اسم مسلمانی کار درست نمی‌شود

**آیت‌الله سید محمدرضا بهاءالدینی(ره):**
گمان کرده‌اید با اسم کار درست می‌شود؟! اگر گفت: من بنده خدا هستم، ولی حقوق همسایه را تضعیف کرد، حقوق همشهری‌ها را تضعیف کرد، تکالیف الهی را حفظ نکرد و گوش و قلب و دستش در اختیارش نبود، این بنده شیطان است، نه بنده خدا. ما می‌خواهیم بنده هوی و هوس و شیطان باشیم، اسم آن را هم بندگی خدا می‌گذاریم! انسان اگر بخواهد بفهمد، قدری جلوی معایب خود را می‌گیرد؛ به‌جای این که عده و عده‌ای موافق با خودش پیدا کند.
**منبع: کتاب نردبان آسمان، صفحه ۱۹۶**



## إلهی أَسْتَنْصِرُكَ و أَسْتَرْزِقُكَ

اولیا و علما از راهکارهای اعتلای نمازهای یومیه را آموختن اذکار و ادعیه جدید برای ذکر قنوت دانسته‌اند. در این راستا فرازهایی از دعاهای واصله از ائمه معصومین(ع) می‌تواند طعم شیرین عبادت را به نمازگزار بچشاند. در این ستون به صورت هفتگی ادعیه‌ای به اشتراک گذاشته خواهد شد.
در فراز بیست‌ویکم تا بیست‌وپنجم از دعای چهل‌وهشتم صحیفه سجادیه می‌خوانیم: «[إلهی] أَسْتَنْصِرُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِه، وَانْصُرْنِي. وَ أَسْتَرْحِمُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِه، وَارْحَمْنِي. وَ أَسْتَكْفِيكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِه، وَاكْفِنِي. وَ أَسْتَرْزِقُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِه، وَارْزُقْنِي. وَ أَسْتَعِينُكَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِه، وَ أَعِنِّي»؛ [خدایا] از تو می‌خواهم که یاری‌ام کنی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا مدد فرما. از تو رحمت و بخشش می‌طلبم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و بر من رحمت آور. از تو می‌خواهم که مرا کفایت کنی، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و خود مرا کفایت کن. رزق و روزی خود را از تو می‌خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و روزی‌ام را برسان. از تو یاری و کمک می‌خواهم، پس بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا یاری ده.

## حلیم کیست؟

**رهبر شهید انقلاب حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای(ره):**
در روایات صادره از ائمه هدی(ع) راجع به حلم خیلی تأکید شده است. در قرآن کریم هم در مقام ستایش بعضی از بندگان شایسته و عظیم‌القدر، آنها به صفت حلم توصیف شدند. انسان با خودش فکر می‌کند که این حلم چیست و چرا این‌قدر در روایات و کلمات ائمهٔ‌هدی(ص) که پیشوایان اخلاق و اندیشه بشری هستند، تأکید شده راجع به حلم؟ آیا همین که مردم امروز به آن می‌گویند حلم، این است؟ حلم همین است؟ متأسفانه این صفت هم، این لغت هم، این مفهوم هم مثل واژه و مفهوم صبر یا قناعت یا شکر، در طول زمان تحریف شده است. آنچه که ائمه ما(ع) از آن تعریف کرده‌اند، آن چیزی است، آن که ما امروز به نام حلم می‌شناسیم، چیز دیگری است. نمی‌گویم که صددرصد با هم اختلاف دارند، اما ۵۰ درصد با هم اختلاف دارند. (۱۳۵۲/۱۱/۱۶) حلم را به یک معنا «بردباری» دانسته‌اند، و این ترجمه تا حدودی درست است؛ منتها کامل نیست. چیزی که از بردباری به ذهن ما متبادر می‌شود، کمتر از چیزی است که حلم با خودش دارد. (۱۳۸۰/۹/۷) [همچنین] حلم فقط به معنای فروبردن خشم و غیظ نیست، بلکه معنای وسیع و گسترده‌تری دارد. حلم یعنی اینکه انسان دارای ظرفیت باشد. (۱۳۷۹/۹/۳) ما مشهدی‌ها می‌گوییم، بعد دیدم دیگران هم می‌گویند: جنبه داشتن. می‌گویند فلانی آدم بی‌جنبه‌ای است. درست است؟ بی‌جنبه یعنی چه؟ یک مفهومی در ذهن تان دارید؛ یعنی تا یک خرده پول گیرش می‌آید، تا یک خرده احترام گیرش می‌آید، تا یک خرده مقام گیرش می‌آید، خودش را می‌بازد، می‌گویند بی‌جنبه است. تا یکی با او دشمنی می‌کند، تا یکی با او مخالفت می‌کند، این فورا عکس‌العمل نشان می‌دهد. حالت یک استخر کوچکی را دارد که با مختصر نسیمی، با یک حرکت مختصری، فوری متلاطم می‌شود و آب از سرش می‌ریزد. آدم حلیم که حلم دارد، این چیزها در روح او اثری نمی‌کند. می‌تواند خودش را حفظ کند، ظرفیت دارد، جنبه دارد، مقام هم پیدا کند، جنبه دارد. اگر بالاترین مقامات را هم پیدا کند، مغرور نمی‌شود. اگر از آن مقام بیاورندش پایین، بکشندش به یک مقام مثلاً پستی، پایینی، باز آن چنان نیست که خودش را ببازد. حلم معنایش این است؛ جنبه داشتن. (۱۳۶۱/۴/۲۵)
**منبع: کتاب شرح حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بر حدیث مکارم اخلاق، صفحه ۱۷۵ و ۱۷۶**

**گفتاری از ملااحمد نراقی در باب سوءظن به خدا و خلق**

# هر که ظن بد به مسلمانان می‌برد خبیث‌النفس و بدباطن است

**تهیه و تنظیم: محمدصادق عبداللهی**

**سوءظن به خدا و خلق خدا، رذیلتی است که آیات قرآن کریم و احادیث اهل بیت(ع) به کرات از آن نهی کرده‌اند و علمای اخلاق آن را موجب هلاکت و نابودی فرد و جامعه می‌دانند. به جهت اهمیت مسئله در ادامه بخشی از باب چهارم کتاب «معراج‌السعادت» اثر ملااحمد نراقی، فقیه و اخلاق‌نویس نامدار دوره قاجار، تقدیم می‌شود؛ این عالم جلیل‌القدر در این گفتار از رذیلت سوءظن گفته و آن را علامت خباثت نفس و بدباطنی می‌داند. ان‌شاءالله که این خوانش، محل اثر باشد و ما را از دام بددلی به خدا و خلقش برهاند.**

رذیله سوءظن و بددلی به خدا و خلق نتیجه جبن و ضعف نفس است زیرا که هر جبان ضعیف النفسی، هر فکر فاسدی که به خاطرش می‌گذرد و به قوه واهمه او درمی‌آید اعتقاد می‌کند و پی آن می‌رود و این صفت خبیثه از مهلکات عظیمه است که خداوند عالم می‌فرماید: «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا کثِیراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» یعنی «ای گروه مؤمنین، اجتناب کنید از بسیاری از گمان‌ها به‌درستی که بعضی از گمان‌ها گناه است.» و دیگر می‌فرماید: «وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَکُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا» یعنی «گمان بد بردید، و شما قومی بودید به هلاکت رسیده» و حضرت امیرالمؤمنین(ع) می‌فرماید: «باید امر برادر مومن خود را به بهترین محامل حمل کنی و باید به سخنی که از برادر تو سر زند گمان بد نبری. مادامی که محمل خوبی از برای آن بیابی» و مروی است که «خدای تعالی حرام کرده است از هر مسلمی خون او را و عرض او را و ظن بد به او بردن را» و همین مذمت از برای ظن بد کافی است که آن را قرین کشتن مسلم و دست‌اندازی به حریم و عرض او نموده و شکی نیست که هر که در باطن، ظن بد به دیگری برد و او را به شر و فساد نسبت دهد در ظاهر به نظر حقارت او را می‌بیند، و اکرام او را کما ینبغی بجا نمی‌آورد و در حقوق او کوتاهی می‌کند بلکه مضایقه از غیبت، و اظهار آنچه گمان به او برده نمی‌کند و همه این امور منشأ هلاکت او می‌شود.

**■ دو اندرز پیر دانای مرشد شهاب**

و شبهه‌ای نیست در اینکه هر که ظن بد به مسلمانان می‌برد خبیث النفس و بد باطن است، و هر کسی را مثل خود می‌داند و خباثت باطن او به ظاهرش نیز سرایت می‌کند و دل هر مؤمن پاک طینتی نسبت به همه خلایق، پاک و صاف است و ظن بد به احدی نمی‌برد. آری، آری: از کوزه همان برون تراود که در اوست!
مرا پیر دانای مرشد شهاب
دو اندرز فرمود بر روی آب
یکی آنکه بر خویش خوش بین مباش
دگر آنکه بر خلق بدبین مباش

**■ ظن بد علامت خباثت نفس است**

و سر اینکه ظن بد به مردم بردن علامت خباثت نفس است و شارع از آن نهی فرموده آن است که آن نمی‌باشد مگر از القای شیطان خبیث، زیرا که بجز علام الغیوب احدی از باطن دیگری آگاه نیست و هیچ دلی را به دل دیگر راه نمی‌باشد. پس چگونه می‌توانید شد که کسی چیزی را ندانسته و به چشم خود مشاهده نکرده، و از گوش خود نشنیده، در حق غیر اعتقاد کند؟ پس ظن بدی که آدمی می‌کند امری است که از راهی که نمی‌داند به دل او افتاده و نیست آن راه، مگر راه شیطان! پس شیطان آن گمان را به دل او انداخته و به آنچه گمان برده و خبر داده و آدمی چگونه خبری که شیطان داده باشد قبول می‌کند و حال آنکه شیطان از هر فاسقی فاسق‌تر است. و خدا می‌فرماید: «إِنْ جَاءَکُمْ فَاسِقٌ بِنَبَإٍ فَتَبَیَّنُوا» یعنی «اگر فاسقی شما را خبری آورد تبین کنید و آن را قبول نکنید» پس از برای اهل ایمان جایز نیست که تصدیق آن لعین را کنند اگر چه بعضی قرائن خارجیه به آن ضم شود، تا به سر حد یقین رسد.

**■ ۱۲ ارشاد عظیم پیامبر(ص) برای امت**

پس هرگاه عالمی را در خانه امیر ظالمی ببینی شیطان به گمان تو می‌اندازد که او به جهت طمع به آنجا رفته، تو باید آن را به دل خود راه ندهی زیرا که شاید باعث رفتنش اعانت مظلومی باشد و اگر از دهن مسلمانی بوی شراب یابی باید جزم به اینکه او شراب حرام نوشیده است نکنی زیرا که می‌شود که مزمزه کرده باشد و ریخته باشد، یا بر آشامیدن آن مجبور بوده باشد، یا به تجویز طبیب حاذقی به جهت مداوایی آشامیده باشد و بالجمله باید حکم تو بر افعال مسلمان چون حکم و شهادت بر اموال ایشان باشد و همچنان که در مال حکم نمی‌کنی مگر به آنچه دیده‌ای، یا با اقرار شنیده‌ای، یا دو شاهد عادل در نزد تو شهادت داده‌اند، همچنین در افعال ایشان باید چنین باشی.
و اگر عادل، بدی‌ای از مسلمی نقل کند باید توقف کنی؛ نه تکذیب آن عادل را کنی، و حضرت امیرالمؤمنین(ع) فرمودند که «هر که خود را در محل تهمت درآورد ملامت نکند کسی را که به او بدگمان شود» و از حضرت امام زین‌العابدین(ع) مروی است که صفیه دختر حی بن اخطب، حرم محترم حضرت رسول(ص)، حکایت کرد که «وقتی حضرت پیغمبر(ص) در مسجد معتکف بودند من به دیدن او رفتم و بعد از شام از پیش آن حضرت مرخص شده روانه منزل شدم آن عالیجناب قدری راه همراه من آمد و تکلم می‌کرد، شخصی از انصار برخورد و گذشت، حضرت او را آواز داده فرمود: این زن من صفیه است! آن شخص عرض کرد چه جای این سخن بود؟ حاشا که من به شما ظن بد برم! حضرت فرمود: شیطان در رگ و خون بنی‌آدم جا دارد؛ ترسیدم بر شما داخل شود و باعث هلاکت شما شود!» و در این فعل پیغمبر(ص) دو ارشاد عظیم از برای امت است: یکی اینکه باید نهایت احتراز از ظن بد کرد؛ دوم اینکه هر کسی اگر چه مثل پیغمبر خدا باشد، باید خود را از محل تهمت نگاه دارد.
پس کسی که عالم پرهیزکار باشد و در میان مردم معروف به صلاح و دیانت باشد، مغرور نشود که کسی به من ظن بد نمی‌برد و به این جهت خود را از محل تهمت محافظت نکند زیرا که هر فردی از انسان اگر چه اورع و اعلم جمیع مردم باشد همه کس او را به یک نظر نمی‌بینند بلکه اگر جمعی کثیر او را ظاهر و باطناً خوب دانند و همه افعال او را حمل بر صحت نمایند، جمعی دیگر هستند که طالب عیب او باشند و اعتقاد تمام به او نداشته باشند و ایشان البته در محل تهمت زدن به او می‌باشند.
بر هر مؤمنی واجب است که خود را از مواضع تهمت دور کند «و عین الرضا عن کل عیب کلیله | و لکن عین السخط تبدی المساویا» یعنی چشم دوستی از دیدن هر عیبی کند است اما چشم عداوت و دشمنی، بدی‌ها را ظاهر می‌کند و هر دشمن حسودی نگاه نمی‌کند مگر به چشم دشمنی؛ پس آنچه خوبی که از آدمی دید می‌پوشاند و در تجسس بدی‌ها برمی‌آید و هر بدی، البته به دیگران گمان بد می‌برد و ایشان را چون خود می‌داند و هر معیوب رسوایی، دیگران را مانند خود رسوا و عیبناک می‌خواهد، عیوب ایشان را در میان مردم ظاهر می‌کند تا مردم از فکر او بیرون روند و زبان ایشان از او کوتاه شود «و البلیه اذا عمت طابت» یعنی «هر بلایی که عمومیت هم می‌رساند گوارا می‌شود.» پس بر هر مؤمنی لازم است که خود را از مواضع تهمت دور دارد تا بندگان خدا گمان بد به او نبرند و به معصیت نیفتند و این شخص هم در معصیت ایشان شریک باشد زیرا که هر که سبب معصیت دیگری شود او هم در گناه با او شریک خواهد بود! و از این جهت خداوند عالم فرموده است: «دشنام مدهید به کسانی که غیر خدا را می‌خوانند که ایشان هم خدا را دشنام دهند!» و حضرت پیغمبر(ص) فرمود که: «چگونه می‌بینید حال کسی را که پدر و مادر خود را دشنام می‌دهد؟ عرض کردند که آیا کسی پدرومادر خود را دشنام می‌دهد؟ فرمود: بلی کسی که پدرومادر غیر را دشنام دهد، آن غیر هم پدر و مادر او را دشنام دهد.»

**رذیله سوءظن و بددلی به خدا و خلق نتیجه جبن و ضعف نفس است زیرا که هر جبان ضعیف النفسی، هر فکر فاسدی که به خاطرش می‌گذرد و به قوه واهمه او درمی‌آید اعتقاد می‌کند و پی آن می‌رود و این صفت خبیثه از مهلکات عظیمه است**

## رعایت آداب اجتماعی موجب قرب الهی

**آیت‌الله محمدباقر تحریری(حفظه‌الله):**
اسلام علاوه بر تعیین وظایف و حقوق لازم در روابط گوناگون اجتماعی، دستورهای مستحبی را نیز به‌عنوان آداب اجتماعی برای مؤمنان مقرر کرده که موجب استحکام بیشتر و نورانی‌تر شدن این روابط می‌شود و انسان را بیشتر به قرب الهی می‌رساند؛ مانند: آداب برخورد با دیگران (از جمله سلام و مصافحه و گشاده‌رویی، سخن زیبا، ظاهر آراسته، رعایت ادب نشستن، تواضع و محبت، پرهیز از حرکات نامناسب مانند دست در بینی کردن و آب دهان و بینی بیرون انداختن و مدارا کردن با برادران دینی)، سلام کردن، سخن گفتن، شنیدن، انتقاد کردن، امر به معروف و نهی از منکر، تبلیغ، نامه‌نگاری، دوستی، شوخی، شادی، برخورد با بزرگ‌ترها، آداب میزبانی و میهمانی، تجارت، حقوق همسایه، بیمار و عیادت او و تعلیم و تعلم که این آداب بسیار گسترده است.
**منبع: کتاب گام‌های آغازین سلوک؛ صفحه ۹۸**

## دروغی که ندانسته در پرونده‌مان می‌رود

**آیت‌الله محمدتقی مصباح یزدی(ره):**
پیامبر(ص) می‌فرمایند: «یا اباذر! کفی بالمرء کذباً أن یحدّث بکلّ ما یسمع؛ ای ابوذر! در دروغگو بودن کافی است که شخص هر چه می‌شنود نقل کند.» یکی از آفات و زیان‌های زبان این است که انسان هر چه شنید، بدون تحقیق و تفحص در راستی آن بی‌درنگ برای دیگران نقل کند. گر چه او قصد ندارد دروغ بگوید و آنچه شنیده بدون کم و زیاد نقل می‌کند، اما سخن او دروغ به‌شمار می‌آید؛ چون اطمینان به راستی و درستی آنچه می‌گوید ندارد. بنابراین هم باید از دروغ که سخنی است زشت و ناپسند است، دوری کرد و هم از گفتن چیزی که انسان بدان یقین ندارد. بلکه اول باید تحقیق کنیم اگر مطمئن به درستی آن سخن شدیم، آن را نقل کنیم: «تا نیک ندانی که سخن عین صوابست | باید که به گفتن دهن از هم نگشایی | گر راست سخن‌گویی و در بند بمانی | به زان که دروغت دهد از بند رهایی» پیامبر(ص) می‌فرمایند: «اگر هر چه را که انسان می‌شنود نقل کند، در شمار دروغگویان درآمده است.» اما ما گاهی در نقل آنچه شنیده‌ایم نیز دقت نمی‌کنیم و چه بسا چیزی از آن کم یا به آن می‌افزاییم و سپس برای دیگران نقل می‌کنیم. باید به هنگام سخن گفتن، دقت کنیم که هر چیزی را نقل نکنیم، چون انسان هر چه را می‌شنود، نباید نقل کند؛ چه رسد که در نقل سخنی مبالغه کند و سخنی را بپروراند و برای دیگران نقل کند. با توجه به آن برداشتی که پیامبر(ص) از دروغ ارائه دادند، مسلماً شایعه پراکنی از مظاهر روشن دروغ است.
**منبع: کتاب ره توشه؛ جلد دوم؛ صفحه ۱۴۹ و ۱۵۰**